

مقایسه آسیب‌پذیرهای بادوام: باورهای ارتباطی زوجین، عملکرد خانواده اصلی و روان‌رنجورخویی در بین زنان و مردان متقاضی طلاق

رسول حشمتی^۱ اصغر پوراسمعیلی^۲ سارا خداپرست کازرونی^۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر، مقایسه آسیب‌پذیرهای بادوام: باورهای ارتباطی زوجین، عملکرد خانواده اصلی و روان‌رنجورخویی در بین زنان و مردان متقاضی طلاق می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی زن و مردهای متقاضی طلاق در شهرستان اردبیل بود. بدین منظور در یک تحقیق مقطعی و گذشته‌نگر، از بین این زوجین متقاضی طلاق، تعداد ۲۰۰ نفر (۱۰۰ نفر زن و ۱۰۰ نفر مرد) به روش هدفمند به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند و با در نظر گرفتن ملاحظات اخلاقی در تحقیق مشارکت کردند. خرده‌مقیاس روان‌رنجورخویی از پرسشنامه شخصیتی NEO-FFI، مقیاس خانواده اصلی و پرسشنامه باورهای ارتباطی جهت سنجش متغیرهای موردنظر به کار گرفته شدند. برای تحلیل داده‌ها از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که در گروه مردان مسیر عملکرد خانواده اصلی با باورهای ارتباطی ($\beta = -0/21$)، مسیر عملکرد خانواده اصلی با روان‌رنجورخویی ($\beta = -0/29$) و مسیر روان‌رنجورخویی با باورهای ارتباطی ($\beta = 0/32$)، معنادار است. در گروه زنان، مسیر عملکرد خانواده اصلی با روان‌رنجورخویی ($\beta = -0/24$)، مسیر روان‌رنجورخویی با باورهای ارتباطی ($\beta = 0/29$) معنادار است. همچنین، نتایج آزمون بوت‌استروپ نشان می‌دهد که در هر دو گروه، روان‌رنجورخویی بین عملکرد خانواده اصلی و باورهای ارتباطی زوجین نقش میانجی دارد. بر اساس یافته‌های این تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که مدل مفروض در هر دو گروه از برازش مطلوبی برخوردار است و عملکرد خانواده اصلی و روان‌رنجورخویی تعیین‌گرهای مهم باورهای ارتباطی زوجین می‌باشند.

واژگان کلیدی: طلاق، باورهای ارتباطی زوجین، عملکرد خانواده اصلی، روان‌رنجورخویی

^۱ استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران Psy.heshmati@gmail.com

^۲ دکتری تخصصی روان‌شناسی، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، اردبیل، ایران

^۳ نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۸

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۱۴

مقدمه

ازدواج در مقایسه با سایر روابط انسانی بهترین فرصت برای تجربه خوشبختی، حمایت اجتماعی و صمیمیت است و افراد را به گونه‌ای به هم پیوند می‌دهد که در روابط دیگر میسر نیست (فاورزا، ۲۰۱۳)؛ اما در مقابل، طلاق در زمره غم‌انگیزترین پدیده‌های اجتماعی و نیز شایع‌ترین جلوه تعارض شدید است که متأسفانه طبق آمار در کشور ما در حال افزایش است. عوامل متعددی در بروز طلاق مؤثر است که می‌توان به عوامل اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، روان‌شناختی و عوامل تنش‌زای درونی و بیرونی اشاره کرد که در این بین عوامل فردی و روان‌شناختی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند (پرانچر، بیگن، گایروارد، ترامبلی، بوون^۲ و همکاران، ۲۰۰۸). زیرا این عوامل با تمام جنبه‌های زندگی افراد مثل آموزش، شغل و عملکردهای بین فردی مرتبط هستند (دوروس، هانزال و سگریان^۳، ۲۰۱۱). شواهد طولی و مقطعی بسیار زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد پیامدهای زناشویی به وسیله‌ی آسیب‌پذیری‌های دیرپا-پیش‌زمینه و صفاتی که هر یک از زوجین با خود به ازدواج می‌آورند - پیش‌بینی می‌شود. آسیب‌پذیری‌های بادوام (دیرپا یا دوران اولیه زندگی)^۴ یکی از سه سازه اصلی مدل آسیب‌پذیری-استرس-انطباق (VSA)^۵ است که به تفاوت‌های فردی در زمینه آسیب‌شناسی روانی و ویژگی‌های شخصیتی می‌پردازد که از جمله آن می‌توان به تأثیر بر چگونگی انطباق زوجین نسبت به استرس و نیز چگونگی مدیریت تعارضات و اختلاف‌های زناشویی نام برد (مارشال، جونز و فینبرگ؛ ۲۰۱۲)^۶. این مدل یکی از مهم‌ترین و پر استنادترین مدل‌های پیش‌بینی‌کننده تغییرات در طول زندگی است که می‌تواند به‌عنوان یک سازه مهم در فهم چگونگی و چرایی دل‌زدگی زناشویی نقش داشته باشد؛ در این مدل مفهومی آسیب‌پذیری شامل ویژگی‌های پایدار هر یک از زوج‌ها چون: شخصیت، باورها و نگرش‌ها در مورد ازدواج، تجارب خانواده اصلی و زمینه‌های اجتماعی می‌باشد (کارنی و برادبری^۷، ۱۹۹۵)

¹1. Fowers

²2. Provencher, Begin, Girouard, Tremblay & Boivin

³3. Dorros, Hanzal & Segrina

⁴4. Enduring vulnerabilities

⁵5. The Vulnerability-Stress-Adaptation model

⁶6. Amy D. Marshall, Damon E. Jones, & Mark E. Feinberg

⁷7. Karney & Bradbury



آسیب‌پذیری‌های بادوام، قوت و ضعف روابط بین فردی و زناشویی هر زوج را تعیین می‌کند. شواهد طولی و مقطعی بسیار زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد پیامدهای زناشویی به‌وسیله‌ی آسیب‌پذیری‌های بادوام-پیش‌زمینه‌ی صفاتی که هر یک از زوجین با خود به ازدواج می‌آورند-پیش‌بینی می‌شود (کارنی و برادبری، ۱۹۹۵). در پژوهش حاضر نیز با در نظر گرفتن تعاریف مفهوم آسیب‌پذیری در مدل VSA و تقسیم‌بندی آن در مطالعه استیت (۲۰۱۱) تنها متغیرهایی به‌عنوان آسیب‌پذیری به‌کاربرده شده‌اند که همبستگی بالایی با وضعیت زناشویی داشته باشند. باورهای ارتباطی^۱ زوجین یکی از مؤلفه‌های مهم آسیب‌پذیری‌های بادوام روابط زناشویی است.

باورهای ارتباطی یکی از عواملی است که در کیفیت ارتباط زناشویی نقش مهمی دارد؛ همچنین این باورها عوامل مهمی در تعهد شخصی افراد در باقی ماندن در روابط عاشقانه می‌باشند (اورتوزن، لوتزن، سرنسون و اندرشید^۲، ۲۰۱۰). باورهای ارتباطی ناکارآمد می‌توانند در زندگی زناشویی بسیار مشکل‌ساز باشند؛ باورهای ارتباطی ناکارآمد گرایش‌هایی هستند که باعث می‌شوند فرد در ارتباط با همسر خود در زندگی زناشویی به شیوه‌ای ناکارآمد و غیرمنطقی برخورد کند و باعث بروز مشکلات جدی در ارتباط زوجین با یکدیگر خواهد شد (ادیس و بمارد^۳، ۲۰۱۲). در مقابل باورهایی نظیر این باور که همسران تغییرپذیرند، در بیشتر مواقع موجب حفظ ارتباط شده و به تداوم رابطه کمک می‌کند (کارنی و مک نالتی^۴، ۲۰۰۱). هاروی^۵ (۲۰۰۵) و وینکلر و دورتی^۶ (۲۰۰۶) معتقدند که بین سبک‌های ارتباطی و تعارضات زناشویی رابطه وجود دارد و زوجین دارای تعارضات زناشویی بیشتر دارای سبک‌های ارتباطی غیرمنطقی‌تر هستند.

عملکرد خانواده اصلی^۷ به توانایی خانواده در انجام وظایفی که بر عهده دارد، از جمله تأمین نیازهای عاطفی، روانی، فیزیولوژیکی اعضای خانواده اطلاق می‌شود. عملکرد خانواده یکی از

^۱. Relationship Beliefs

^۲. Ewertzon, Lutzen, Srensson&Andershid

^۳. Addis & Bemard

^۴. Karney & McNulty

^۵. Harway

^۶. Winkler, I., & Doherty, W. J.

^۷. Original Family Function

شاخص‌های مهم تضمین‌کننده سلامت روانی خانواده و اعضای آن است، هم‌چنین رابطه منفی آنان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل ایجادکننده و نگهدارنده اختلالات روحی و هیجانی افراد مطرح می‌شود. مشکلات ارتباطی افراد بازتاب مسائل خانواده اصلی آن‌ها می‌باشد؛ به عبارتی ما نمی‌توانیم همسرمان را واضح و شفاف ببینیم و تصاویری را بر او فراقکنی می‌کنیم؛ بنابراین تعامل بین این فراقکنی‌های متقابل موجب مشکلات زوج‌ها می‌شود، زیرا زن و شوهر در مورد مسائل واقعی خود بحث نمی‌کنند بلکه در مورد فراقکنی‌ها و تصاویر ذهنی مرتبط با روابط قبلی به بحث می‌پردازند (هاروی، ۲۰۰۵). تحقیقات نشان داده است در خانواده‌هایی که ارتباط میان اعضا و تعاملات داخل خانواده بر اساس نزدیکی و صمیمیت و تفاهم بین افراد استوار است، همه اعضا نسبتاً علیه فشارهای زندگی مقاوم و مصون هستند (فتاح زاده، ۱۳۸۸).

روان رنجورخویی یکی از عامل‌های الگوی پنج‌عاملی شخصیت است؛ این عامل یکی از ویژگی‌هایی است که ثبات هیجانی بالا و اضطراب پایین در یک‌سوی پیوستار و بی‌ثباتی هیجانی و اضطراب بالا در سوی دیگر آن قرار دارد. افراد با نمره بالا در روان رنجورخویی دارای هیجانانگیز غیرمنطقی بیشتر و کم‌توانی در مهار رفتارهای برانگیختگی‌وار و ضعف در کنار آمدن با مشکلات هستند. افرادی که نمره آن‌ها در روان رنجورخویی پایین است، با برخورداری از ثبات هیجانی معمولاً آرام و معتدل هستند و قادرند با موقعیت‌های تنیدگی‌زا بدون اضطراب مقابله کنند (لانس بری، مافیت، گیسون، دروست و ایستونسون، ۲۰۰۷). برخی تحقیقات داخلی نشان می‌دهد که زنان نسبت به مردان نمرات بالاتری در روان رنجورخویی و نیز نمرات پایین‌تری در رضایت زناشویی دارند و نیز عامل شخصیتی روان رنجورخویی با رضایت زناشویی، رابطه منفی دارند (راستی، ۱۳۸۳؛ عطاری، ۱۳۸۵). شاهمرادی، فاتحی زاده و احمدی (۱۳۹۰) نیز نشان دادند که زوج‌های عادی و متقاضی طلاق در روان رنجورخویی و در تمام ۹ خرده‌مقیاس فهرست نشانه‌های روانی (SCL-۹۰) با یکدیگر تفاوت معناداری دارند. مالوف، تورستینسون، اسکات، بولر و روک (۲۰۱۰) در طول تحقیقات خود دریافتند که ویژگی‌های شخصیتی مانند روان رنجورخویی پایین، ارتباط معناداری با سطوح رضایت زناشویی و به‌تبع آن ثبات زناشویی دارند. نتایج پژوهش حسینی نسب، بدری و قایمیان (۱۳۸۸) نیز نشان داد که بین روان رنجورخویی و

¹Lounsbury, Moffitt, Gibson, Drost & Stevenson



سازگاری زناشویی همبستگی منفی معنادار به دست آمد. در پژوهش لیندستروم^۱ (۲۰۱۳) که به بررسی رابطه بین روان‌رنجورخویی با نحوه تعامل و رضایت زناشویی زوجین با دوره‌ای از جدایی در زندگی مشترک (۱۰۵۵ زوج) و بدون جدایی (۲۵۲۷ زوج) پرداختند به این یافته رسیدند که میزان روان‌رنجورخویی در زوجین با دوره‌ای از جدایی، بیشتر از بدون جدایی بود و همچنین بین روان‌رنجورخویی با تعامل مثبت زوجین و رضایت از روابط در هر دو گروه رابطه منفی پیدا شد. با وجود تحقیقات گسترده‌ای که نقش سازه‌های مرتبط با آسیب‌پذیری‌های بادوام را در دل‌زدگی و رضایت زناشویی انجام داده‌اند، تحقیقی وجود ندارد که تفاوت‌های جنسیتی را در این عوامل مهم و تأثیرگذار بر روابط زناشویی مورد مطالعه قرار دهد؛ بنابراین، تفاوت دو گروه جنسی زن و مرد در سازه‌های مرتبط با آسیب‌پذیری‌های بادوام به‌خصوص باورهای ارتباطی زوجین، عملکرد خانواده اصلی و روان‌رنجورخویی در بین زنان و مردان متقاضی طلاق روشن و مشخص نیست. براین اساس، تحقیق حاضر به دنبال بررسی مقایسه‌ای آسیب‌پذیری‌های بادوام در روابط زناشویی یعنی باورهای ارتباطی زوجین، عملکرد خانواده اصلی و روان‌رنجورخویی در بین زنان و مردان متقاضی طلاق در شهرستان اردبیل می‌باشد.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

روش پژوهش حاضر مقطعی و گذشته‌نگر می‌باشد. جامعه آماری مورد مطالعه تمامی افرادی است که در فاصله ۶ ماهه (اول دی ماه ۹۳ تا آخر خرداد ۹۴) به مراجع قضایی (اعم از دادگاه‌ها و شورای حل اختلاف) دادگستری شهرستان اردبیل برای موضوع طلاق مراجعه کرده بودند. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند از بین افرادی انتخاب شد که حداقل تحصیلات آن‌ها نه کلاس بوده (به‌منظور توانایی خواندن و درک پرسشنامه‌های خود گزارش‌دهی) و یک سال از دوره عقد یا ازدواج آن‌ها گذشته بود (با توجه به اینکه پرسشنامه رویدادهای استرس‌زا برای یک سال بعد از زندگی زناشویی می‌تواند کارایی داشته باشد). از بین زوج‌های مراجعه‌کننده تعداد ۲۰۰ نفر (۱۰۰ زن و ۱۰۰ مرد) که حاضر به همکاری شدند، از طریق روش نمونه‌گیری هدفمند برای نمونه این پژوهش انتخاب شدند. جهت رعایت منشور اخلاقی پژوهش، تنها از زوجینی استفاده شد که خود داوطلب و مایل به شرکت در پژوهش بودند.

¹Lindstrom

برای تلخیص و توصیف شاخصه‌های جمعیت شناختی از شاخص‌های آماری فراوانی و درصد و برای تحلیل و پاسخ به فرضیه‌های پژوهش از آزمون همبستگی گشتاوری پیرسون و مدل یابی معادلات ساختاری استفاده شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS ۲۲ و Amos پردازش شدند.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات

خرده‌مقیاس روان‌رنجورخویی از پرسشنامه شخصیتی NEO-FFI

پرسشنامه شخصیتی NEO-FFI فرم کوتاه پرسشنامه NEO است که در سال ۱۹۸۵ توسط مک‌کری و کاستال تهیه شده است که دارای ۶۰ سؤال است و پنج عامل شخصیتی روان‌رنجورخویی، انعطاف‌پذیری، برون‌گرایی، سازگاری و وجدانی بودن را می‌سنجد. ضرایب پایایی با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای بعد روان‌رنجورخویی در پژوهش شارون^۲ (۲۰۰۲)، ۰/۸۶ و در پژوهش واین^۳ (۲۰۰۳)، ۰/۷۴ گزارش شد (به نقل از عبدالله‌زاده، ۱۳۸۶). در مطالعه گروسی (۱۳۸۰)، ضریب پایایی با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای بعد روان‌رنجورخویی ۰/۸۳ گزارش شده و در پژوهش شولی‌بندر، بشلیده، هاشمی و ارشدی (۱۳۹۰) آلفای کرونباخ و تصنیف برای تعیین پایایی این خرده‌مقیاس به ترتیب ۰/۸۲ و ۰/۸۵ محاسبه گردید. در تحقیق حاضر آلفای کرونباخ این پرسشنامه برابر ۰/۷۹ محاسبه شد.

مقیاس خانواده اصلی (FOS) ^۴

این پرسشنامه توسط هاوشتات، اندرسون، پیرسی و کوچرانوفاین^۵ در سال ۱۹۸۵ تهیه شد که یک ابزار ۴۰ سؤالی است و برای سنجیدن ادراک و استنباط فرد از میزان سلامت خانواده اصلی‌اش تدوین شده است. مقیاس خانواده اصلی بر استقلال و صمیمیت به‌عنوان دو مفهوم کلی در حیات یک خانواده سالم تمرکز دارد و هر یک از ۴۰ پرسش آن بر اساس یک مقیاس پنج‌درجه‌ای (از یک تا پنج) درجه‌بندی شده است. حداقل نمره «۴۰» و حداکثر «۲۰۰» است که نمرات

^۱2. McCrae, & Costa

^۲3. Sharon

^۳4. Vine

^۴1. Family of origin Scale

^۵2. Hovestadt, Anderson, Piercy, Cochran, & Fine



بالاتر نشانه سلامت بیشتر خانواده اصلی است. پایایی پرسشنامه توسط سازندگان آن بر اساس آلفای کرونباخ $0/75$ گزارش شده است و پایایی آن از طریق باز آزمایی دوهفته‌ای در بعد استقلال و صمیمیت به ترتیب $0/77$ و $0/73$ برآورد شد (ثنائی، علاقبند، فلاحتی، هومن، 1387). در ایران، ضرایب آلفای به‌دست‌آمده در پژوهش جاسبی (1384) برای کل مقیاس $0/94$ و برای ابعاد استقلال و صمیمیت به ترتیب $0/90$ و $0/89$ بوده است، همچنین روایی این مقیاس مورد تأیید چند تن از استادان مشاوره کشور قرار گرفته است (جاسبی، 1384). در تحقیق حاضر آلفای کرونباخ این پرسشنامه برابر $0/84$ محاسبه شد.

پرسشنامه باورهای ارتباطی (RBT) ^۱

این پرسشنامه به منظور اندازه‌گیری باورهای غیرمنطقی در زندگی زناشویی توسط ایدلسن و اپستین ^۲ (1982) ساخته شده و توسط مظاهری و پور اعتماد (1380) با روش ترجمه و ترجمه مجدد به فارسی برگردانده، مورد استفاده قرار گرفت. این آزمون دارای 40 سؤال است که در طیف لیکرت به صورت 6 گزینه‌ای از 0 (کاملاً غلط) تا 5 (کاملاً درست) پاسخ داده می‌شود. پنج خرده آزمون این سیاهه عبارت‌اند از: باور به تخریب‌کنندگی مخالفت، توقع ذهن‌خوانی، کمال‌گرایی جنسی، باور به تفاوت‌های جنسیتی و باور به عدم‌تغییر همسر. همسانی درونی این پرسشنامه در پژوهش‌های متفاوت مورد بررسی قرار گرفته است. الیری ^۳ (1987) همسانی درونی این پرسشنامه را $0/72$ تا $0/81$ گزارش کرده و نشان داد که هر 5 خرده مقیاس این پرسشنامه با مقیاس‌های سازگاری زناشویی رابطه معنی‌داری دارند. جیمز، هانسلی و همسورس ^۴ (2002) برای 5 خرده مقیاس این پرسشنامه آلفای $0/58$ تا $0/83$ را گزارش کرده‌اند؛ و در ایران حیدری، مظاهری و پور اعتماد (1384) همسانی درونی را برای خرده مقیاس‌ها از $0/47$ تا $0/70$ به دست آوردند. در تحقیق حاضر آلفای کرونباخ این پرسشنامه برابر $0/77$ محاسبه شد.

¹3. Relationship Beliefs Inventory

²4. Eidelson, & Epstein

³5. O'leary

⁴6. James, Huntly, & Hemsworth

یافته‌ها

جدول ۱ - خصوصیات جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان

شاخص		فراوانی	درصد
تحصیلات	زیر دیپلم	۶۸	۳۴/۷
	دیپلم و فوق دیپلم	۷۴	۳۷/۷
	لیسانس	۴۰	۲۰/۴
	فوق لیسانس و بالاتر	۱۴	۷/۲
تعداد فرزندان	بدون فرزند	۱۲۱	۶۱/۱
	۱ فرزند	۴۵	۲۲/۷
	۲ فرزند	۲۷	۱۳/۶
	۳ فرزند	۵	۲/۵
مدت زمان زندگی مشترک	زیر ۵ سال	۱۲۲	۶۱/۳
	۵ - ۱۰ سال	۴۳	۲۱/۶
	بیشتر از ۱۰ سال	۳۵	۱۷/۱
سن ازدواج مردان	زیر ۱۸ سال	۵	۵
	۱۸ تا ۲۵ سال	۵۳	۵۳
	۲۵ تا ۳۰ سال	۴۲	۴۲
سن ازدواج زنان	زیر ۱۸ سال	۵۰	۵۰
	۱۸ تا ۲۵ سال	۴۱	۴۱
	۲۵ تا ۳۰ سال	۹	۹

یافته‌های مربوط به مشخصات جمعیت شناختی زوجین متقاضی طلاق در جدول شماره ۱ خلاصه شده است.

در جدول ۲ نتایج همبستگی بین متغیرهای پژوهشی (نورزگرایی، عملکرد خانواده اصلی، باورهای ارتباطی) و میانگین و انحراف استاندارد شرکت‌کنندگان در متغیرهای پژوهشی اصلی و زیرمقیاس‌ها ارائه شده است. نتایج ماتریس همبستگی نشان می‌دهد که روان‌رنجورخویی با عملکرد خانواده اصلی و زیرمقیاس‌های آن رابطه منفی معنادار و با باورهای ارتباطی کل و زیرمقیاس‌های آن رابطه مثبت معنادار دارد.



جدول ۲- ماتریس همبستگی متغیرهای نورزگرایی، عملکرد خانواده اصلی، باورهای ارتباطی

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱. روان رنجورخویی									
۲. عملکرد خانواده اصلی	-۰/۳۵**								
۳. استقلال	-۰/۳۶**	۰/۸۳**							
۴. صمیمیت	-۰/۳۸**	۰/۹۴**	۰/۷۸**						
۵. باورهای ارتباطی کل	۰/۳۴**	-۰/۲۷**	-۰/۲۴**	-۰/۲۹**					
۶. تخریب مخالفت	۰/۳۳**	-۰/۲۰**	-۰/۲۵**	-۰/۳۶**	۰/۵۸**				
۷. ذهن‌خوانی	۰/۲۱**	-۰/۲۲**	-۰/۳۶**	-۰/۲۷**	۰/۵۱**	۰/۲۶**			
۸. تغییرناپذیری همسر	۰/۱۸**	-۰/۳۳**	-۰/۴۲**	-۰/۲۲**	۰/۵۵**	۰/۳۱**	۰/۲۵**		
۹. تفاوت‌های جنسیتی	۰/۳۶**	-۰/۲۸**	-۰/۲۶**	-۰/۲۱**	۰/۵۸**	۰/۳۳**	۰/۲۷**	۰/۰۵	
میانگین	۲۹/۹۴	۷۱/۱۴	۶۹/۵۳	۷۱/۱۸	۸۱/۲۹	۱۹/۸۴	۲۲/۴۸	۱۹/۹۷	۱۹/۲۱
انحراف استاندارد	۷/۱۸	۲۰/۳۶	۱۰/۵۳	۱۱/۰۲	۱۴/۲۲	۵/۲۰	۵/۱۱	۵/۸۵	۴/۹۸

$01/0 > p^{**}$

در ادامه به منظور بررسی مقایسه‌ی متغیرهای پژوهشی و نوع ارتباط آن‌ها در دو گروه زن و مرد از روش تحلیل مسیر استفاده شد و در این راستا دو مدل جداگانه برای بررسی وضعیت این دو گروه ارائه شد.

جدول ۲ مقایسه شاخص‌های برازش مدل پیشنهادی و مدل اصلاح‌شده را در دو گروه نشان می‌دهد. با توجه به نتایج مندرج در جدول ۲، در مدل پیشنهادی روابط متغیرها در گروه مردان، مدل پیشنهادی دارای برازش مورد تأیید بوده و نیاز به اصلاح ندارد؛ اما در مدل پیشنهادی برای گروه زنان هرچند که سه شاخص کای اسکور بهنجار شده (CMIN/DF)^(۱)، نیکویی برازش انطباقی (AGFI)^(۲) و شاخص برازش مقتصد هنجار شده (PNFI)^(۳) برازش مدل را مورد تأیید قرار می‌دهند، اما باین وجود شاخص‌های دیگر از جمله شاخص نیکویی برازش (GFI)^(۴)، شاخص برازش افزایش (IFI)^(۵)، شاخص برازندگی توکر- لویس (TLI)^(۶)، شاخص برازش مقایسه‌ای^(۷) (CFI) و ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)^(۸) عدم برازش مدل پیشنهادی را تأیید

1. normed chi-square index

2. adjusted goodness-of-fit index

3. parsimonious normed fit index

4. goodness-of-fit index

5. incremental fit index

6. Tucker-Lewis index

7. comparative fit index

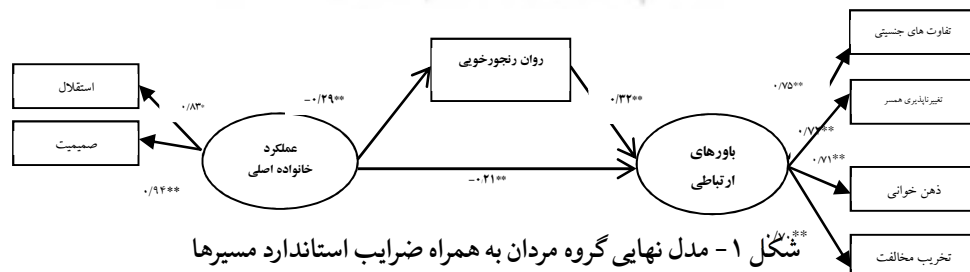
8. root mean squared error of approximation

می‌کنند و نیاز به اصلاح مدل را نشان می‌دهند. از این رو به منظور بهبود مدل ارائه شده اولیه، دو اصلاح (همبسته کردن مسیر متغیرها و ۲) همبسته کردن مسیر خطاها که بین متغیرهای اصلی این خطاها همبستگی بالایی وجود داشت، از بین گزینه‌های پیشنهادی نرم‌افزار AMOS انتخاب و همبسته شدند. بعد از اعمال دو اصلاح ذکر شده، مدل مجدداً مورد آزمون قرار گرفت و همان‌طور که در جدول ۲ ارائه شده است، تمامی شاخص‌های برازش مدل اصلاح شده برازش مدل اصلاحی را تأیید کردند.

جدول ۳- مقایسه شاخص‌های برازندگی مدل‌های پیشنهادی و اصلاح شده

شاخص	RMSEA	PNFI	CFI	TLI	IFI	AGFI	GFI	CMIN/DF
بازه قابل قبول	۰/۰۸ <	۰/۵۰ <	۰/۹۰ >	۰/۹۰ >	۰/۹۰ >	۰/۸۰ >	۰/۹۰ >	۵ تا ۱
مدل پیشنهادی اولیه گروه مردان وضعیت برازش	۰/۰۷	۰/۶۴	۰/۹۰	۰/۹۲	۰/۹۳	۰/۸۳	۰/۹۵	۱/۸۰
مدل پیشنهادی اولیه گروه زنان وضعیت برازش	۰/۰۸۵	۰/۶۳	۰/۸۷	۰/۸۵	۰/۸۸	۰/۸۴	۰/۸۸	۲/۴۸
مدل اصلاح شده نهایی گروه مردان وضعیت برازش	۰/۰۶۵	۰/۵۱	۰/۹۴	۰/۹۳	۰/۹۳	۰/۸۵	۰/۹۱	۱/۸۵
مدل اصلاح شده نهایی گروه زنان وضعیت برازش	۰/۰۵۳	۰/۴۹	۰/۹۵	۰/۹۶	۰/۹۳	۰/۹۲	۰/۹۳	۱/۷۰

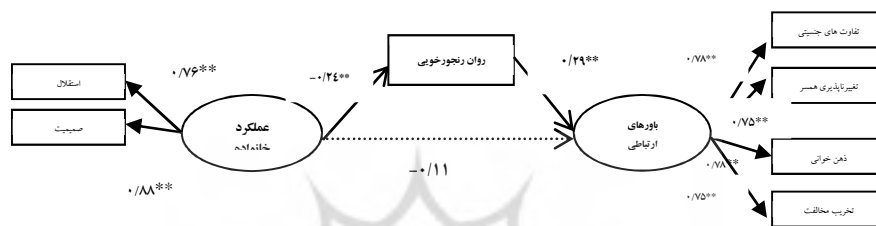
به منظور آزمون رابطه عملکرد خانواده اصلی و باورهای ارتباطی با واسطه‌گری روان‌رنجورخویی در گروه مردان، از روش تحلیل مسیر استفاده شد. ضرایب استاندارد مسیرهای مستقیم در شکل ۱ حاکی از آن است که مسیر عملکرد خانواده اصلی با باورهای ارتباطی ($\beta = -0/21$)، مسیر عملکرد خانواده اصلی با روان‌رنجورخویی ($\beta = -0/29$) و مسیر روان‌رنجورخویی با باورهای ارتباطی ($\beta = 0/32$)، در سطح آماری $p < 0/01$ معنادار است.



شکل ۱- مدل نهایی گروه مردان به همراه ضرایب استاندارد مسیرها



به منظور آزمون رابطه عملکرد خانواده اصلی و باورهای ارتباطی با واسطه‌گری روان‌رنجورخویی در گروه زنان، از روش تحلیل مسیر استفاده شد. ضرایب استاندارد مسیرهای مستقیم در شکل ۲ حاکی از آن است که مسیر عملکرد خانواده اصلی به باورهای ارتباطی ($\beta = -0/11$) در سطح آماری $p < 0/50$ قرار داشته و معنادار نیست. مسیر عملکرد خانواده اصلی با روان‌رنجورخویی ($\beta = -0/24$) و مسیر روان‌رنجورخویی با باورهای ارتباطی ($\beta = 0/29$)، در سطح آماری $p > 0/01$ معنادار است.



شکل ۲- مدل نهایی گروه زنان به همراه ضرایب استاندارد مسیرها

در ادامه به منظور بررسی معناداری روابط واسطه‌ای روان‌رنجورخویی با عملکرد خانواده اصلی و باورهای ارتباطی در گروه مردان و زنان از آزمون بوت استراپ نرم‌افزار AMOS استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است. نتایج مندرج در جدول ۴ نشان می‌دهد که حد پایین و حد بالای مسیرهای غیرمستقیم عملکرد خانواده اصلی به باورهای ارتباطی از طریق روان‌رنجورخویی در گروه مردان و زنان، صفر را در برنمی‌گیرند و این حاکی از معنادار بودن این مسیر غیرمستقیم است. به این صورت که در مسیر عملکرد خانواده اصلی به باورهای ارتباطی از طریق روان‌رنجورخویی در زنان به دلیل عدم وجود رابطه مستقیم معنادار بین عملکرد خانواده اصلی و باورهای ارتباطی زنان، واسطه‌گری روان‌رنجورخویی کلی^۱ است و در مسیر عملکرد خانواده اصلی به باورهای ارتباطی از طریق روان‌رنجورخویی در مردان به دلیل وجود رابطه مستقیم معنادار بین عملکرد خانواده اصلی و باورهای ارتباطی مردان، واسطه‌گری روان‌رنجورخویی جزئی^۲ می‌باشد.

1. fully

2. partially

جدول ۴ - نتایج آزمون بوت استراپ برای مسیرهای غیر مستقیم

گروه‌ها	متغیر پیش‌بین	متغیر میانجی	متغیر ملاک	نمونه‌گیری مجدد	حد پایین	حد بالا	فاصله اطمینان
گروه زنان	عملکرد خانواده اصلی	روان رنجورخویی	باورهای ارتباطی	۱۰۰۰	۰/۰۹۶	۰/۱۹۳	۰/۹۵
گروه مردان	عملکرد خانواده اصلی	روان رنجورخویی	باورهای ارتباطی	۱۰۰۰	۰/۱۰۴	۰/۱۸۲	۰/۹۵

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد که مسیر مستقیم رابطه بین عملکرد خانواده اصلی با باورهای ارتباطی در گروه مردان معنی‌دار است. این یافته با مطالعات والرش‌تاین و بلکسلی (۱۹۸۹)، باربر و بوهلر (۱۹۹۶)، میورارو و ترلیوس (۲۰۱۲) و فرح‌بخش (۱۳۹۰) همسو می‌باشد. در واقع تجربه افراد در خانواده اصلی، شکل‌دهنده رفتارها و نیز روابط بین فردی است. الگوهای ارتباطی در خانواده اصلی مانند چگونگی تعامل بین اعضای خانواده برای رسیدن به عقاید مشترک و چگونگی تصمیم‌گیری توسط اعضای خانواده بر سازگاری فرزندان در روابط آینده و موقعیت‌های دیگر بیرون از خانواده اصلی اثرگذار است. بر اساس نظریه عقلانی-عاطفی-رفتاری الیس، باورهای ارتباطی غیرمنطقی اساس بیولوژیکی قوی‌تری دارند که داشتن این باورهای غیرمنطقی به مشکلات روانی بیشتر و اختلال در روابط زناشویی منجر می‌شود در حالی که باورهای منطقی نقش ویژه‌ای در موفقیت افراد دارد (یانگ و لانگ، ۲۰۰۷؛ حشمتی و قربانی، ۲۰۱۶). به اعتقاد الیس (۲۰۰۱) هیچ رویدادی ذاتاً نمی‌تواند در انسان آشفتگی روانی ایجاد کند، زیرا تمام محرک‌ها و رویدادها در ذهن معنا و تفسیر می‌شوند و بر این اساس سازش نایافتگی‌ها و مشکلات هیجانی ناشی از نحوه‌ی تعبیر، تفسیر و پردازش اطلاعات حاصل از محرک‌ها و رویدادهایی هستند که افکار و باورهای غیرمنطقی در زیربنای آن‌ها قرار دارند. نتایج مطالعات برنشتاین و برنشتاین (۱۹۸۹) نشان داد که بسیاری از همسران در برقراری و حفظ روابط دوستانه و صمیمی با یکدیگر دچار مشکل هستند، چون انتظار دارند از ازدواج به گونه کلی و از همسران به گونه اختصاصی منفعی به دست آورند. از سوی دیگر بین ۸۵ تا ۹۱ درصد از افرادی که در آستانه طلاق قرار دارند، در ابتدای روابط زناشویی عقاید مثبت و پیش‌بینی‌های غیرواقع‌بینانه و غیرمنطقی از رابطه زناشویی داشته و بر این باور بوده‌اند که احتمال طلاق آن‌ها صفر است (مینوت و دیگران، ۲۰۱۰). تحقیق حاضر نشان داد که این باورها در مردان متقاضی طلاق تحت تأثیر عملکرد خانواده اصلی قرار دارد. این در حالی است که عملکرد خانواده اصلی



تأثیری در باورهای ارتباطی زنان متقاضی طلاق ندارد. بر اساس این یافته می‌توان گفت که باورهای ارتباطی ناکارآمد که منجر به درخواست طلاق می‌شود در مردان بیشتر از زنان تحت تأثیر عملکرد خانواده اصلی قرار دارد؛ بنابراین، می‌توان گفت که الگوهای ارتباطی بدوی بین پدر و مادر در مردان متقاضی طلاق نقش مهم‌تری در شکل‌گیری باورهای مربوط به روابط زناشویی دارد. به نظر می‌رسد مردانی که تصمیم به طلاق می‌گیرند، در مقایسه با مردانی که تصمیم به طلاق ندارند نسبت به عملکرد خانواده اصلی آسیب‌پذیری بیشتری دارند.

نتایج آزمون بوت استراپ نشان داد که مسیر غیرمستقیم عملکرد خانواده اصلی به باورهای ارتباطی از طریق روان‌رنجورخویی در گروه مردان و زنان معنی‌دار است. این یافته با نتایج عطاری و همکاران (۱۳۸۵)؛ کارنی و برادبوری (۱۹۹۵)؛ راسل و ویلز (۱۹۹۴)؛ دونلن، کانگر و بریانت^۱ (۲۰۰۰) همسو می‌باشد. روان‌رنجورخویی به‌عنوان بعدی منفی در ابعاد شخصیت و تأثیر منفی آن در سازگاری افراد به‌خصوص در مسائل زناشویی بیشتر مورد تأکید بوده است. نمره بالا در روان‌رنجورخویی با بی‌ثباتی عاطفی و عواطف منفی مثل ترس، غم، دستپاچگی، عصبانیت، احساس گناه و نفرت همراه است و کسانی که در این حیطه نمرات بالایی کسب می‌کنند، تمایل بیشتری به تکانش‌گری و آسیب‌پذیری دارند. در موقعیت‌های تنیدگی یا آمادگی این افراد برای بروز اضطراب بیشتر است و عمدتاً از روش‌های متمرکز بر هیجان استفاده می‌کنند. این ویژگی‌ها ممکن است روابط زناشویی را تحت‌الشعاع قرار داده و در اکثر اوقات موجب نارضایتی زن و شوهر از طرف مقابل شود (کوردک^۲، ۲۰۰۵). در واقع ویژگی شخصیتی روان‌رنجورخویی می‌تواند باورهای ارتباطی غیرمنطقی افراد را پیش‌بینی کند. به معنای دیگر اینکه افراد روان‌رنجورخو از باورهای غیرمنطقی بیشتری برخوردار هستند. اما در نهایت باوجود تبیین‌های نظری زیست‌شناختی، روان‌شناختی و اجتماعی برای نقش تفاوت‌های جنسیتی در تجربه عواطف مثبت و منفی، سازوکار اصلی این رابطه همچنان ناشکار به نظر می‌رسد (نالن-هوکسیما^۳، ۲۰۰۵؛ بیرامی و همکاران، ۲۰۱۲). یافته تحقیق حاضر نشان می‌دهد که روان‌رنجورخویی در گروه مردان متقاضی طلاق می‌تواند به شکل جزئی رابطه بین عملکرد خانواده اصلی و باورهای ارتباطی اصلی را تبیین کند. چون اثر مستقیم رابطه بین

^۱2.Donnellan, Conger & Bryant

^۲1.Kurdek

^۳2.Nolen- Hoeksema

عملکرد خانواده اصلی با باورهای ارتباطی زوجین معنی دار است، بنابراین، اثر میانجی روان رنجورخویی جزئی است نه کامل. بدین معنا که روان رنجورخویی نمی تواند کل اثر رابطه بین عملکرد خانواده اصلی و باورهای ارتباطی مردان متقاضی طلاق را در خود جذب کرد و کل رابطه آن‌ها را تبیین کند. اثر غیرمستقیم رابطه عملکرد خانواده اصلی از طریق روان رنجورخویی بر باورهای ارتباطی مردان برابر با ۰/۰۹ است که کمتر از اثر مستقیم رابطه بین عملکرد خانواده اصلی به باورهای ارتباطی زوجین یعنی ۰/۲۱ - می باشد که نشان از نقش کلید عملکرد خانواده اصلی در شکل دهی به باورهای ناکارآمد زناشویی در مردان است. بر اساس این یافته می توان گفت که مردان آسیب پذیری بیشتری در باورهای ارتباطی ریشه گرفته از عملکرد خانواده اصلی دارند. به نظر می رسد که این باورهای ریشه دار در مردان تغییرناپذیرتر از زنان می باشد. این موضوع باعث می شود که در شرایط بحرانی زندگی مثل تقاضای طلاق، مردان انعطاف ناپذیرتر از زنان برخورد کنند. این انعطاف ناپذیری می توان جلوی تولید راهکارهای خلاقانه برای حل تعارضات زناشویی را بگیرد و مردان را در شرایط بغرنج تری قرار دهد به نحوی که طلاق را تنها راهکار ممکن ببیند. تغییرناپذیری مردان در باورهای زناشویی نسبت به زنان می تواند میزان آسیب پذیری را در این افراد افزایش دهد. باور تغییرناپذیری همسر به این موضوع اشاره دارد که فرد معتقد است علت وجود مشکلات رفتاری در افراد امری ذاتی است. لذا هرگونه تلاش برای تغییر دیدگاه‌ها و رفتارهای طرف مقابل بی فایده است. به همین دلیل فرد هیچ گونه تلاشی برای تغییر وضع موجود از خود نشان نمی دهد. این امر می تواند باعث از دست دادن تفکر حل مسئله شده، مشکلات روزبه روز عمیق تر و پیچیده تر شود. اکثر افراد بدون داشتن اطلاعات کافی و بدون برخورداری از آموزش های لازم در زمینه رفتار انسان و تحول شخصیت، این باور سنتی را با خود حمل می کنند که ویژگی های رفتاری افراد به صورت ژنتیکی و پایدار است؛ بنابراین حتی اگر خود فرد هم بخواهد بازهم قادر به تغییر خصوصیات رفتاری خود نخواهد بود. چنین برداشتی از ازدواج و رفتار آدمی گزاره های درونی و خودگویی های کلامی را به گونه ای ناسازگار و ناکنش ور تنظیم می کند (اپستین و همکاران، ۲۰۰۵؛ قمری گیوی و همکاران، ۲۰۱۰). در تبیین این یافته می توان دیدگاه تکاملی را نیز در نظر گرفت. به نظر می رسد مردان طی تکامل برای حفظ خانواده در برابر مخاطرات مجبور بودند که شرایط سختی را تحمل کنند و برای حل و فصل این مشکلات قوانین سخت و تغییرناپذیری را وضع کنند. این موضوع در مفاهیم روانکاوی نیز مورد تأیید قرار



گرفته است، چنانچه در روانکاوی پدر مظهر سوپرایگو و قانون است. اعضای خانواده از قوانین پدر تبعیت می‌کردند و این قوانین بودند که هم در شکل‌گیری خانواده و هم در محافظت آن از خطرات نقش اساسی داشتند. بدون وجود مرزهای مشخص و عدم پایبندی به اصول از پیش تعیین‌شده خانواده با خطر بزرگ از هم‌پاشیدگی روبرو بوده است. بر همین اساس، به خاطر کارآمدی این قوانین در محافظت از خانواده، پدر و مرد آن‌ها را عامل اصلی تحکیم خانواده تلقی کرده و به آن‌ها باور عمیق پیدا کرده‌اند و چنین باور عمیقی را نیز از سایر اعضای خانواده انتظار داشتند. به نظر می‌رسد وجود چنین فرایندی در تکامل خانواده بوده که سبب شده مردان باورهای تغییرناپذیری داشته باشند؛ یعنی فرایندی که زمانی عامل اصلی تشکیل و حفظ خانواده بوده، حال دست و پاگیر شده و از تولید راهکارهای خلاق برای حل مشکلات روابط زناشویی جلوگیری می‌کند.

همچنین بر اساس یافته تحقیق حاضر می‌توان گفت که روان‌رنجور خویی در گروه زنان متقاضی طلاق می‌تواند به شکل کلی رابطه بین عملکرد خانواده اصلی و باورهای ارتباطی اصلی را تبیین کند. چون اثر مستقیم رابطه بین عملکرد خانواده اصلی با باورهای ارتباطی زوجین معنی‌دار نیست، بنابراین، اثر مستقیم روان‌رنجورخویی به شکل کلی است نه جزئی. بدین معنا که روان‌رنجورخویی خود به تنهایی می‌تواند کل اثر رابطه بین عملکرد خانواده اصلی و باورهای ارتباطی زنان متقاضی طلاق را در خود جذب کرد و کل رابطه آن‌ها را تبیین کند. اثر غیرمستقیم رابطه عملکرد خانواده اصلی از طریق روان‌رنجورخویی بر باورهای ارتباطی زنان برابر با ۰/۰۷ است که نشان از نقش کلید روان‌رنجورخویی در شکل‌دهی به باورهای ناکارآمد زناشویی در زنان دارد. بر اساس یافته مربوط به تحقیق حاضر می‌توان گفت که نقش کلیدی خصیصه‌ی نوروتیک در زنان می‌تواند زمینه‌ساز اختلافات زناشویی شده و به تبع آن تقاضای طلاق را در این گروه افزایش دهد و از جهتی دیگر وجود تنش‌های ناشی از روابط زناشویی در این گروه منجر به افزایش تجربه هیجان‌های منفی گردد. تجربه هیجانی‌های منفی می‌تواند منجر به افزایش دل‌زدگی زناشویی شده و روزبه‌روز بر فاصله عاطفی زن و شوهر بیفزاید که آن نیز به نوبه بر باورهای ارتباطی زوجین اثر می‌گذارد. سطوح بالای عملکرد ناکارآمد خانواده از طریق روان‌رنجورخویی بر باورهای ارتباطی مردان و زنان تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین روان‌رنجورخویی منجر به آسیب‌پذیری بیشتری زنان متقاضی طلاق نسبت به باورهای ارتباطی می‌گردد و این

آسیب‌پذیری زمینه تقاضای طلاق را در این افراد افزایش می‌دهد. این موضوع با مدل آسیب‌پذیری-استرس-انطباق (VSA) نیز منطبق است که به تفاوت‌های فردی در زمینه آسیب‌شناسی روانی و ویژگی‌های شخصیتی می‌پردازد.

به‌طورکلی، بر اساس یافته‌های مربوط به تحقیق حاضر و نتایج مدل یابی معادلات ساختاری مدل مفروض در دو گروه زنان و مردان متقاضی طلاق می‌توان گفت که هر دو مدل آزمون شده از برآزش مطلوبی برخوردار است. با این حال، در گروه مردان عملکرد خانواده اصلی نقش پررنگ‌تری دارد چراکه می‌تواند به‌تنهایی و بدون در نظر گرفتن نقش روان رنجورخویی، باورهای ارتباطی را پیش‌بینی کند. این در حالی است که در گروه زنان عملکرد خانواده اصلی نمی‌تواند بر باورهای ارتباطی آن‌ها تأثیر بگذارد بلکه می‌تواند از طریق روان رنجورخویی اثری غیرمستقیم بر باورهای ارتباطی داشته باشد. بر اساس این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که عملکرد خانواده اصلی و روان رنجورخویی تعیین‌گرهای مهم باورهای ارتباطی زنان و مردان متقاضی طلاق هستند؛ بنابراین، لازم است که در مداخلات پیشگیرانه، آموزشی و درمانی باورهای ناکارآمد ارتباطی زن و شوهر بر نقش کلیدی عملکرد خانواده اصلی و روان رنجورخویی تأکید گردد.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر این است که این تحقیق در فاصله زمانی کوتاه‌مدت اجرا شده است که این امر می‌تواند به تصمیم‌گیری در خصوص نتایج در شرایط زمانی بلندمدت تأثیر بگذارد. محدودیت دیگر این است که در پژوهش حاضر به دلیل اینکه جامعه آماری این پژوهش افراد متقاضی طلاق بودند، در تعمیم یافته‌ها به سایر افراد جامعه باید به خاص بودن نمونه توجه شود. از این رو پیشنهاد می‌شود برای نمونه‌هایی با حجم بیشتر و در جوامع مختلف با فرهنگ‌های متفاوت‌تر این پژوهش توسط پژوهشگران دیگر تکرار شود تا قابلیت تعمیم نتایج بیشتر شود. با توجه به اینکه این پژوهش در شهرستان اردبیل انجام گرفت و با توجه به اینکه مسائل فرهنگی در زندگی زناشویی افراد تأثیر دارد، پیشنهاد می‌شود این پژوهش در شهرها، قومیت‌ها و فرهنگ‌های متفاوت تکرار شود.



منابع فارسی

۱. بهاری، سیف اله. (۱۳۸۶). بررسی میزان رضایت زناشویی ازدواج‌های دانشجویی و عوامل مؤثر در آن. فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، ۴، ۸. 27-40.
۲. ثنائی، باقر؛ علاقبند، ستیلا؛ فلاحتی، شهره؛ هومن، عباس. (۱۳۸۷). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: موسسه انتشارات بعثت.
۳. جاسبی، منیژه. (۱۳۸۴). رابطه بین سطح سلامت خانواده اصلی و رضایت زناشویی زنان دبیر آموزش پرورش شهرستان کرج. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه خاتم.
۴. حسینی نسب، داوود؛ بدری، رحیم و قائمیان اسکویی، آيسان. (۱۳۸۷). رابطه ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های حل تعارض بین فردی با سازگاری زناشویی دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد تبریز، مجله علوم تربیتی، ۴، 105-130.
۵. حیدری، محمود؛ مظاهری، محمد علی؛ پوراعتماد، حمیدرضا. (۱۳۸۴). رابطه باورهای ارتباطی با احساسات مثبت نسبت به همسر. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱(2)، 130-121.
۶. راستی، علی. (۱۳۸۳). مقایسه صفات شخصیتی و رضایت زناشویی براساس مدل پنج عاملی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۷. زارع، بیژن و صفیاری جعفرآباد، هاجر. (۱۳۹۴). مطالعه رابطه عوامل مؤثر بر میزان رضایت از زندگی زناشویی در بین زنان و مردان متأهل شهر تهران. مجله مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، 13، 1، 111-140.
۸. شاهمرادی، سمیه؛ فاتحی زاده، مریم و احمدی، احمد. (۱۳۹۰). پیش‌بینی تعارض زناشویی از طریق ویژگی‌های شخصیتی، روانی و جمعیت شناختی زوج‌ها. دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، 12، 1، 40-43.
۹. شهرستانی، ملیحه؛ دوستکام، محسن؛ رهباندار، حمید و مشهدی، علی. (۱۳۹۱). پیش‌بینی رضایتمندی زناشویی از روی متغیرهای باورهای ارتباطی و صمیمیت زناشویی در زنان متقاضی طلاق و عادی شهر مشهد. فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، 4، 14، 19-41.
۱۰. شولی‌بندر ریگی‌زاده، سمیه؛ بشلیده، کیومرث؛ هاشمی شیخ‌شهبانی، سید اسماعیل؛ ارشدی، نسرین. (۱۳۹۰). بررسی رابطه‌ی روان‌رنجورخویی، تعارض کار- خانواده، گرانباری نقش، عدالت رویه‌ای، عدالت توزیعی و کنترل شغلی با فرسودگی شغلی در کارکنان شرکت گاز اهواز. مجله دست‌آوردهای روانشناختی (علوم تربیتی و روان‌شناسی)، 4(1)، 72-47.
۱۱. عبدالله‌زاده، بیانیه. (۱۳۸۶). مقایسه بین عوامل شخصیتی، سبک‌های حل مساله و میزان استرس تجربه‌شده میان افراد وابسته به مواد و افراد بهنجار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه تبریز.
۱۲. فتاح زاده، الهام. (۱۳۸۸). مقایسه کیفیت زندگی و عملکرد خانواده در کارکنان خشنود و ناخشنود پالایشگاه سازند اراک. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی اراک، اراک.

۱۳. گروسی فرشی، میرتقی. (۱۳۸۰). رویکردهای نوین در ارزیابی شخصیت. تبریز: نشر جامعه پژوه. ۶۱-۷۸.
۱۴. نادری، فرح؛ افتخار، زهرا؛ آملازاده، صغری. (۱۳۸۸). رابطه ویژگی‌های شخصیتی و روابط صمیمی همسر با دلزدگی زناشویی در همسران معتادان مرد اهواز. فصلنامه یافته‌های نو در روانشناسی، ۴(۱۱)، ۶۱-۷۸.

منابع انگلیسی

1. Abdollahzadeh, A. (2010). Comparison between personality factors, problem solving styles and the degree of stress experienced among people with substance abuse and normal people. MA. Thesis, University of Tabriz. (Text in persian)
2. Bahari, S. (2007). Study of marital satisfaction of student marriages and its effective factors. *Modern Thought in Education*, 4(8), 27-40. (Text in persian)
3. Jasbi, M. (2005). Relationship between the level of original family health and the marital satisfaction of female teachers in Karaj City. MA Thesis, University of Khatam. (Text in persian)
4. Hosseini Nasab, D. Badri, R., Ghaemian Oskoei, A. (2008). Relationship between Personality Characteristics and Interpersonal Conflict Resolution Styles with Marital Adjustment of Married Students of Tabriz Azad University. *Journal of Educational Administration Research*, 4(2), 105-130. (Text in persian)
5. Heidari, M., Mazaheri, M., Pouretamad, H. (2005). Relationship beliefs and positive feelings towards the spouse. *Journal of Family Research*, 1(2), 121-130. (Text in persian)
6. Rasti, A. (2003). Comparison of personality traits and marital satisfaction based on big five model. MA Thesis, University of Shahid Beheshti, Tehran. (Text in persian)
7. Sholibandari Rigizadeh, S., Beshalideh, K., Hashemi Sheikhsabani, S., Arshadi, N. (2009). Investigating the relationship between neuroticism, work-family conflict, role rosiness, procedural justice, distributive justice and job control with burnout in employees of Ahvaz gas company. *Journal of Psychological Achievements*, 1(4), 47-72. (Text in persian)
8. Zare, B., Safyari Jafarabad, H. (2015). The Study of Marital Satisfaction and its Determinants on Married Women and Men in Tehran City. *Journal of Women's Studies Sociological and Psychological*, 13 (1), 111-140. (Text in persian)
9. Sanaei, B., Alagband, S., Falahati, S., Hooman, A. (2008). Family and marriage assessment scales. Tehran: Besat Publishing Institute.
10. Shahmoradi, S., Fatehizadeh, M., Ahmadi, A. (2011). Prediction of marital conflict through the personality, psychological and demographic characteristics of spouses. *Knowledge & Research in Applied Psychology*, 12(1), 34-44. (Text in persian)
11. Shahrestani, M., Doostkam, M., Rahbardar, H., Mashhadi, A. (2011). Prediction of marital satisfaction based on communication beliefs and marital intimacy in females applying for divorce and normal female in Mashhad, *Journal of Women and Culture*, 4(14), 19-41. (Text in persian)
12. Fattahzadeh, A. (2011). Comparison of quality of life and family functioning in happy and disappointed staff of Shazand refinery in Arak. MA Thesis, Arak Azad University, Arak. (Text in persian)



13. Garoosi Farshi, (2001). *New Approaches to Personality Evaluation*. Tabriz, Jame-e-Pajoo. (Text in pertain)
14. Naderi, F., Eftekhar, Z., Mollazadeh, S. (2011). Relationship between personality traits and spouse's intimate relationships with marital burnout in Ahwaz male addicted husbands. *Journal of Modern findings in psychology*, 4(11). 61-78. (Text in pertain)
15. Addis, J. & Benard, M. E. (2002). Marital adjustment and irrational beliefs. *Journal of rational emotive and cognitive behavioral therapy*, 20 (1), 3-13.
16. Amy D. Marshall, Damon E. Jones, & Mark E. Feinberg. (2012). Enduring Vulnerabilities, Relationship Attributions and couple conflict: An integrative model of the occurrence and frequency of intimate partner violence. *Journal of family psychology*, 25(5):709-718
17. Bayrami, M., Abad, T. H. N., Ghoradel, J. A., Daneshfar, S., Heshmati, R., & Moslemifar, M. (2012). The role of positive and negative affectivity, optimism, pessimism, and information processing styles in student psychological adjustment. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 46, 306-310.
18. Dattilio, F. M., Epstein, N. (2005). The restructuring of family schemas: A cognitive behavioral perspective. *Journal of Marital and Family Therapy*, 31, 15-30.
19. Donnellan, M. B., Conger, R. D., & Bryant, C. M. (2005). Erratum to the big five and enduring marriages. *Journal of Research in Personality*, 39, 1, 206-207.
20. Dorros, S., Hanzal, A., & Segrina, C. (2011). The big five personality traits and perceptions of touch to intimate and non intimate body regions. *Journal of Research in personality*, 42, 1067-1073.
21. Edelson, R. S., Epstein, N. (1982). Cognition and relationship maladjustment development of a measure of dysfunctional relationship beliefs, *Journal of counseling and clinical psychology*. 50, 715-720.
22. Ellis, A. (2003). The nature of disturbed marital interaction. *Journal of Rational-Emotive & Cognitive Behavior Therapy*, 21, 147-153.
23. Epstein, Norman B, Chen, Fuguo, Beyder- Kamjou, Irina & Jan. (2005). Relationship standards and marital satisfaction in Chinese and Americans couples. *Journal of Marital and Family Therapy*.
24. Ewertzon, M., Lutzen, K., Svensson, E., & Andershed, B. (2010). Family members involvement in psychiatric care: Experiences of the health care professionals approach and feeling of alienation. *Journal of Psychiatric and Mental Health Nursing*, 17, 422-432.
25. Fowers, B. (2013). The limits of a technical concept of a good marriage: Exploring the role of virtue in communication skills. *Journal of Marital and Family Therapy*, 27, 327-340.
26. Ghamari Givi, H., Moulavi, P., & Heshmati, R. (2010). Exploration of the factor structure of positive and negative syndrome scale in schizophrenia spectrum disorder. *Journal of Clinical Psychology*, 2(2), 1-10.
27. Harway, M. (2005). *Handbook of couple therapy*. John Wiley & Sons..
28. HESHMATI, R., & GHORBANI, F. (2016). THE EFFECT OF MINDFULNESS-BASED STRESS REDUCTION (MBSR) PROGRAM ON PHYSICAL FUNCTIONING AND HEALTH RELATED QUALITY OF LIFE (HRQOL) IN PEOPLE WITH CORONARY ARTERY DISEASE (CAD). *IRANIAN JOURNAL OF CARDIOVASCULAR NURSING*, 5(3), 16-25.
29. Hovestadt, A. J., Anderson, W. T., Piercy, F. P., Cochran, S. W., & Fine, M. (1985). A family-of-origin scale. *Journal of Marital and Family Therapy*, 11, 287-297.
30. James, S., Huntly, J., Hemsworth, D. (2002). Factor structure of relationship belief inventory. *Cognitive Therapy and Research*, 26, 729-755.

31. Karney, B. & McNulty, J. (2001). *Cognition and the development of close relationship. Interpersonal processes*. New York: Wiley.
32. Karney, B. R. & Bradbury, T. (1995). The longitudinal course of marital quality and stability: A review of theory, method, and research. *Psychological Bulletin*, 118, 3-34.
33. Kurdek, L. (2005). Gender and marital satisfaction early in marriage: A growth curve approach. *Journal of marital and family therapy*, 67, 68- 84.
34. Lindstrom, R, A. (2013). Cyclicity and the relationship between neuroticism, communication, and relationship satisfaction in cohabiting couples. a thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree.
35. Lounsbury, J. W., Moffitt, L., Gibson, L. W., Drost, A. W., & Stevenson, M. W. (2007). An investigation of personality traits in relation to the job and career satisfaction of information technology professionals. *Journal of Information Technology*, 22, 174- 183.
36. Malouff, J. M., Thorsteinsson, E. B., Schutte, N. S., Bhullar, N., & Rooke, S. E. (2010). The five-factor model of personality and relationship satisfaction of intimate partners: A meta-analysis. *Journal of Research in Personality*, 44(1), 124-127..
37. Nickl, T. K. (2006). The relationship between irrational beliefs and marital satisfaction. Submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of philosophy in educational psychology, northern: Arizona.
38. Nolen- Hoeksema, S. (2005). Gender differences in depression. In: Gotlib, I. H., Hammen, C. L. (Eds). *Handbook of Depression*. New York: Guilford Press.
39. O'Leary, K. D. (2013). *Assessment of marital discord (psychology revivals): An integration for research and clinical practice*. Routledge.
40. Pascal, A., Christine, A., & Jean, L. (2008). Development and validation of cognitive inventory of subjective distress. *International Journal of Geriatric Psychiatry*, 23, 1175-1182.
41. Provencher, V. C., Begin, M. P. G., Girouard, A., Trembley, S., Boivin, S., & Lemieux, S. (2008). Personality traits in overweight and obese women: Associations with BMI and eating behaviors. *Eating Behaviors*, 9, 3, 294-302.
42. Russell, R. J., & Wells, P. A. (1991). Personality similarity and quality of marriage. *Personality and Individual Differences*, 12(5), 407-412.
43. Stakret, R. & Bursik, K. (2012). Why am I unsatisfied? Adult attachment style, gendered irrational relationship beliefs and young adult romantic relationship satisfaction. *Personality and Individual Differences*, 34, 8, 1419.
44. Stith, S.M., Amanor-Boadu, Y., Miller, M.S., Menhusen, E., Morgan, C., Few-Demo, A. (2011). Vulnerabilities, Stressors, and Adaptations in Situationally Violent Relationships. *Family Relations*. 60:73-89.
45. Vaijayanthimala, K., Bharati & Bharati, P. (2004). Socio- Economic heterogeneity and marital satisfaction. *Journal of Human Ecology*, 15, 1, 9-11.
46. Wendorf, Craig, Lucas, Todd, Imamoglu, Olcay, Weisfeld, Carol & Weisfeld. (2011). Satisfaction across three cultures: does the number of children have an impact after accounting for other marital demographics? *Journal of Cross- Cultural Psychology*, 42, 3, 340- 354.
47. Winkler, I., & Doherty, W. J. (1983). Communication styles and marital satisfaction in Israel and American couples. *Family Process*, 22(2), 221-228.
48. Woods, P. (2009). Irrationally profiles for beliefs that disturbs. *Family institute for Rational- Emotive therapy*.
49. Zhang, L. (2006). Thinking styles and the big five personality traits revisited. *Personality and Individual Differences*, 40, 1177-1187.



Comparison of persistent vulnerables: The role of original family function, neuroticism, and relationship beliefs in divorce applicant couples

Rasoul Heshmati¹, Asghar Pouresmaeili², Sara Khodaparast Kazerooni³

Abstract

The aim of this research was to compare durable vulnerables. That is, the relationship beliefs of couples; original family function; and neuroticism in divorce among men and women. The statistical population of this study were all men and women divorce applicants in Ardabil. For this reason, in a cross-sectional and retrospective study, 200 men and women were selected (100 men and 100 women). The instruments used were Neuroticism Subscale of NEO- FFI, Family of Origin Scale (FOS) and Relationship Beliefs Inventory (RBI). Structural equation modeling was used for data analysis. The findings show that in the men's group, the pathway of original family function with relationship beliefs ($\beta = -0.21$), pathway of the original family with neuroticism ($\beta = -0.29$) and neuroticism with relationship beliefs ($0.32 = \beta$) are significant. In the female group, the pathway of the original family with neuroticism ($\beta = -0.24$) and neuroticism with relationship beliefs ($\beta = 0.29$) are significant. Also, the results of the bootstrap test indicate that in both groups, neuroticism has a mediocre role between the original family function and the couples' relationship beliefs. Based on the findings of this research, it may be concluded that the hypothesized model has good fitness in both groups and the original family function and neuroticism are important determinants of couples' relationship beliefs.

Keywords: divorce, neuroticism, relationships beliefs of couples, original family function

¹ Corresponding Author: Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Education and Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran. Psy.heshmati@gmail.com

² PhD, Psychology, Young Researchers and Elite Club, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

³ MSc, General Psychology, Department of Psychology, Faculty of Education and Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

Submit Date: 2017/4/3

Accept Date: 2018/12/29

DOI: 10.22051/jwfs.2019.14474.1391